

Section 2

بخش دوم

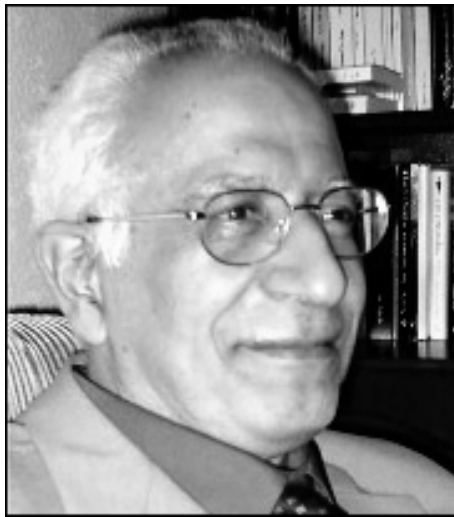
فضای پس از ۲۴ اسفند

دکتر حسین باقرزاده

hbzadeh@btinternet.com

سه شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۸۷ - ۱ آوریل ۲۰۰۸

(با پوشش از تعطیل بدون اطلاع قبلی این ستون در ماه گذشته)



آنان در سالهای انقلاب و پیش از آن باز می‌گردد، و نه با آنچه که امروز گریبان گیر آن هستند و موضوع و کارکرد آنان در قبال مسائل و مشکلات روز.

البته در صحنه سیاسی ایران علاوه بر سازمان‌ها شخصیت‌هایی هم هستند که در قامت رهبر در دید هواداران نشان ظاهر شده‌اند. در داخل کشور افرادی مانند امیرانتظام و عبادی را داریم که از موقعیت ممتازی برخوردارند. ولی آقای امیرانتظام خود ادعای رهبری ندارد و تنها به عنوان یک نماد ملی می‌تواند در صحنه سیاسی ایران فعال باشد. خانم عبادی نیز کلاً از فعالیت سیاسی خود را کنار نگه داشته است و به طریق اولی نمی‌تواند حتی به عنوان نماد اپوزیسیون عمل کند. در خارج کشور نیز از دور رهبر بالقوه می‌توان نام برد که تا حد زیادی در ایران شهرت عام دارند. یکی از آنان آقای بنی‌صدر است که شهرتش به دلیل دوره ریاست جمهوری کوتاه مدت در آغاز انقلاب بیشتر در نسل انقلاب باقی مانده است. دیگری آقای رضا پهلوی است که به عنوان یادگار سلسله پهلوی و کسی که (اگر انقلاب نشده بود) می‌توانست امروز شاه باشد در ذهن بسیاری از مردم در ایران مطرح است.

ولی این دو شخصیت نیز هر یک به نوعی پا در گذشته دارند و به این دلیل نتوانسته‌اند در شکل‌گیری یک اپوزیسیون قوی و مؤثر در ایران نقش ایفا کنند. آقای بنی‌صدر که هنوز در حال و هوای اوایل انقلاب زندگی می‌کند و «انقلاب اسلامی» را نشر می‌دهد و با نسل جدید ایران نمی‌تواند رابطه چندانی برقرار کند. آقای پهلوی نیز گرچه به زبان روز سخن می‌گوید و سخنانش برای نسل جوان جاذبه بیشتری دارد، برای بسیاری از مردم (هم بین سلطنت‌طلبان و هم مخالفان سلطنت) بیشتر به عنوان نماینده گذشته پیش از انقلاب مطرح می‌شود، تا آینده پس از جمهوری اسلامی. جنبش دموکراتیک مردم ایران را کسانی می‌توانند رهبری کنند که نماد آینده روشن ایران باشند تا نماینده گذشته‌ای که کمتر کسی می‌خواهد به آن برگردد. مشکل عمده دموکراسی در ایران مشکل رهبری است. نیروهایی که به صورت فردی یا سازمانی از گذشته نمایندگی می‌کنند و یا در جبهه‌های گذشته می‌جنگند به سختی می‌توانند در شکل‌گیری یک اپوزیسیون قوی و فراگیر دموکراتیک نقش مؤثری ایفا کنند. در فضای سیاسی یاس آور پس از ۲۴ اسفند، جای آن دارد که اپوزیسیون به دلایل ناتوانی خود در برابر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بپردازد. و امید که این نوشته به عنوان مدخلی بر این بحث تلقی شود.

پاورقی

۱. در مورد مشکلات مربوط به کنترل دولتی نفت و نمونه یک طرح مشخص در این باره از نویسنده این ستون، به مجموعه‌ای از چهار مقاله که شش سال پیش در همین روزها در این ستون منتشر شد مراجعه کنید.

فضای پس از ۲۴ اسفند - ۲

تداعی سالهای پیش از انقلاب

حسین باقرزاده

سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۸۷ - ۸ آوریل ۲۰۰۸

قرینه سازی در سیاست کار بی‌خطری نیست. ولی شرایط ایران امروز سخت به شرایط پیش از انقلاب ۵۷ نزدیک می‌شود، و رأی گیری ۲۴ اسفند مشابهت بیشتری در این مورد ایجاد کرده است. کافی است به سیر حوادث کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ که افزایش ناگهانی درآمد نفت اقتصاد کشور را دچار تحوّل بی‌سابقه کرد نظری بیندازیم و تحولات

دنباله مطلب در صفحه ۲۶

است که پیام این سازمان‌ها برای مردم کوچک و بازار چنگی به دل نمی‌زند و هیچانی نمی‌آفریند؟

از پیام‌ها گذشته، مسئله خوددندان نیز هست. به صراحت باید گفت که اکثریت به اتفاق نیروهای سیاسی اپوزیسیون (اعم از سازمان‌ها و شخصیت‌ها) بوی کهنگی می‌دهند. این امر نه به دلیل قدمت سیاسی آنها است (که خود باید نقطه قوتی باشد) و بلکه به دلیل مواضع سیاسی آنان یا فرهنگ حاکم بر آنان است. بسیاری از اینان هنوز در جبهه‌های سی سال پیش یا عقب‌تر از آن می‌جنگند. برخی دیگر بیشتر گذشته را نمایندگی می‌کنند تا آینده را. این وابستگی به گذشته یکی از دلایلی است که این نیروها در جذب نسل جوان کشور موفقیت چندانی ندارند، و هواداران و کادرها و رهبران آنان (در مورد سازمان‌ها) و حواریون و مشاوران آنان (در مورد شخصیت‌ها) را بیشتر از نسل‌های پیشین تشکیل می‌دهند. یک نیروی سیاسی که به جای درس‌گیری از گذشته، خود را در آن اسیر کرده باشد به سختی می‌تواند پاسخگوی نیازهای روز باشد و با مردمی که فرزندان امروز هستند و با مشکلات امروز خود گریبانگیرند و آرمان‌های امروز خود را دارند پیوند برقرار کند. رهبری جنبش دموکراتیک مردم ایران را نیروهایی می‌توانند به دست بگیرند که خود را از نظر سیاسی و ایدئولوژیک «به روز» (update) کرده باشند و به جای نمایندگی از گذشته پیام آور آینده باشند.

کافی است نگاهی اجمالی به نیروهای عمده سیاسی ایران بیندازیم: از اصلاح‌طلبان و نیروهای مذهبی هواداران آنان می‌گذریم که غالباً هنوز آرمان‌های اوایل انقلاب را در سر می‌پرورانند و به دنبال آن هستند که ظاهراً جمهوری اسلامی بهتری را به مردم عرضه کنند. سه دهه تجربه تلخ حکومت مذهبی جاذبه چندانی برای این اندیشه کهنه باقی نگذاشته است. نیروهای چپ در عین این که عمدتاً به لحاظ ایدئولوژیک از گذشته خود بریده و به سوی سوسیالیسم دموکراسی روی آورده‌اند، ولی از نظر سیاسی غالباً هنوز در جبهه جنگ جمهوری و سلطنت دوران انقلاب می‌جنگند. نیروهای ملی نیز به لحاظ ایدئولوژیک اکنون بیشتر دموکراسی خواه هستند تا ملی‌گرا، ولی بسیاری از آنان به لحاظ سیاسی در گذشته دوران انقلاب و پیش از آن ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به سر می‌برند. در بین سلطنت‌طلبان نیز تنها نیروهای محدودی با نگاه انتقادی به گذشته پیش از انقلاب، دیکتاتوری آن دوره را محکوم کرده‌اند و بازگشت به نظام سلطنتی را با رأی مردم دنبال می‌کنند، و بخش بزرگتری از آنان به اندیشه‌های گذشته هستند. ادبیات جدلی گروه‌های یاد شده علیه یک دیگر غالباً با ارجاع به گذشته

حرکت‌ها تأثیری در روند سیاسی کشور نمی‌گذارد. اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی صادر می‌شود و در بین همین طبقه سیاسی پخش می‌گردد. بحث و جدل‌هایی هم بین گروه‌های رقیب در می‌گیرد که آنها نیز بازتابی در بین مردم کوچک و بازار ندارد. و به هر حال این حرکت‌های سیاسی در درون دایره‌های بسته و نسبتاً کوچکی شکل می‌گیرد، و به هم می‌خورد و عامه مردم کمترین اطلاعی هم نسبت به آنها پیدا نمی‌کنند.

دلایل امر قطعاً متعدد است، از فقدان امکانات ارتباطی با مردم گرفته تا مشکلات خودپیام و پیام‌دهند. برخی برآنند که مشکل اصلی همان اولی است. اپوزیسیون از امکانات ارتباط مستقیم با مردم محروم است و نمی‌تواند پیام خود را به آنان برساند. ولی این تمام داستان نیست. اولاً به دلیل اینکه با انقلاب ارتباطی امروز این مانع تا حد زیادی تضعیف شده است. میلیون‌ها ایرانی به اینترنت دسترسی یافته‌اند و هزاران نفر اطلاعات خود را مستقیم از این طریق به دست می‌آورند. علاوه بر این، بسیاری از فعالان اپوزیسیون از طریق رادیوها و تلویزیون‌های خارجی پیام خود را پخش می‌کنند. دوم اینکه مگر اپوزیسیون در سایر نقاط جهان، و یا در گذشته در ایران، که منشأ حرکتی بودند از امکانات تبلیغاتی وسیعی برخوردار بوده‌اند؟ به عنوان یک مثال دیگر در ایران فعلی، مگر جنبش یک میلیون امضا از چه امکانات تبلیغاتی برخوردار است که در ظرف کمتر از دو سال توانسته است خود را در همین شرایط سخت در ایران تثبیت کند و تأثیرگذار باشد؟ سوم این که عمده کردن مشکل ارتباطات، نتیجه‌ای جز نادیده گرفتن مشکلات پیام و پیام‌دهنده ندارد. در واقع کسانی که از فقدان وسیله ارتباطی با مردم می‌نالند و آن را بزرگترین مشکل اپوزیسیون می‌خوانند، می‌خواهند بگویند که پیام آنان نجات‌بخش و بهترین است و خود نیز بهترین شرایط رهبری را دارند، و به این ترتیب انگیزه‌ای برای نقد خود و پیام خود پیدا نمی‌کنند.

ولی به واقع باید مشکل اصلی را در خود پیام و یا پیام‌دهنده دید. پیام‌های اپوزیسیون که به شکل بیانیه‌ها و منشورها و قطعنامه‌ها صادر می‌شود تا چه حد با مشکلات روزمره و ملموس مردم ما ارتباط پیدا می‌کند؟ این پیام‌ها نوعاً حول مقولات دموکراسی و حقوق بشر شکل می‌گیرد، که البته لازم است، ولی سواً آنها چیزی برای حل مشکلات روزمره جامعه، از فشارهای اقتصادی گرفته تا نابسامانی‌های اجتماعی و بالاخره تا امنیت فردی و اجتماعی، در بر ندارد. یعنی در حد همدردی هست، و حتی از راه حل‌های کلی هم سخن می‌رود، ولی از راه حل مشخص برای مشکلات مشخص سخنی نیست. و به راستی چرا این نیروها برای حل این مشکلات برنامه‌ای ارائه نمی‌دهند و مثلاً نمی‌گویند که اگر به قدرت برسند یا درآمد نفت چه کار خواهند کرد؟ گفتن این که نفت را فرضاً از بودجه اداری کشور جدا می‌کنند و به برنامه‌های عمرانی اختصاص می‌دهند کافی نیست. (۱) و یا پلیس و دستگاه قضایی به شدت سیاسی و ایدئولوژیک را چگونه تغییر خواهند داد تا شهروند ایرانی احساس امنیت و آرامش کند؟ چرا به راستی سازمان‌های سیاسی ما در برنامه نویسی ید طولانی دارند، ولی در ارائه برنامه برای حل مشکلات روزمره مردم تلاش زیادی به خرج نمی‌دهند؟ آیا با این ترتیب، شکست آور

تیترا اصلی مقاله:

فضای پس از ۲۴ اسفند - و اپوزیسیون که بوی کهنگی می‌دهد

تعطیلات نوروزی به پایان رسید و فضای سیاسی ایران پس از رأی گیری سرد و بی‌روح ۲۴ اسفند رنگ و روی دیگری گرفته است. قدرتمندان حاکم محدوده انحصاری خود را تنگ تر کردند و دایره قدرت را به کوچکترین سطح خود در طول حیات سه دهه این نظام تقلیل داده‌اند. اصلاح‌طلبان با همه تلاش‌هایی که انجام دادند نتوانستند جز پاره ناچیزی از نواله قدرت به دست آورند، و بسیاری از آنان از دایره خودی‌ها به بیرون پرتاب شدند. فعالان جنبش‌های مدنی دایهانه خود را از جریان رأی گیری کنار نگه داشتند، آلوده دست این و آن نشدند و این بازی قدرت را به حاکمان واگذارند. و اپوزیسیون خارج از قدرت، به استثنای انگشت‌شمارانی که به سنت پیروی خود از جناح اصلاح طلب حکومت همچنان ادامه دادند، یک صد این مایش مفتضح انتخاباتی را تحریم کردند. و در فضای مرده سیاسی ایران که مردم کوچک و بازارش بیشتر دردگرانی و مسکن دارند تا این که چه کسانی برآن حکومت کنند، و اپوزیسیون از هرگونه ابتکار عمل سیاسی مؤثر برای سازماندهی مردم بی‌بهره است، پس از رأی گیری ۲۴ اسفند و در آستانه سال جدید غبار غلظتی از یاس و ناامیدی نشسته است. و به راستی چرا اپوزیسیون سکولار پس از نزدیک به ۳۰ سال حکومت فاجعه بار جمهوری جهل و خشونت و ارتجاع نمی‌تواند در صحنه سیاسی ایران فعال شود و بدیلی مؤثر عرضه کند؟ چگونه است که اپوزیسیون در کتیا و پاکستان و زیمبابوه می‌تواند نقشه‌های حکومت را برای تحمیل خود در انتخابات به هم زند و آن را وا دارد که تا حدی به رأی و خواست مردم تن دهد، ولی در ایران حکومت از این قدرت برخوردار است که به هرگونه که مایل است انتخابات را کنترل کند، فقط به افراد دلخواه و مطلوب خود اجازه شرکت در آن را بدهد و سرانجام هم رأی‌ها را آنگونه که خود می‌خواهد بخواند و بشمارد و آرایش نهادهای «انتخابی» را آن گونه که می‌خواهد سازمان دهد و آب از آب تکان نخورد؟ و این وضع نه برای یک سال و دو سال یا برای یک یا دو دوره انتخاباتی که برای سه دهه ادامه یابد و اپوزیسیون در برابر این وضع همچنان دست و پا بسته و ناتوان باقی بماند؟

پاسخ مشخص به این سؤال‌ها البته آسان نیست، که اگر بود لابد تا به حال دانسته می‌شد و اپوزیسیون راه‌های را دنبال می‌کرد. از سوی دیگر، این سؤال‌ها تازه هم نیست و بارها از سوی بسیاری مطرح شده و برخی هم پاسخ‌هایی کلی برای آن عرضه کرده‌اند. این پاسخ‌ها، اما، عموماً حول مسئله هم بستگی و اتحاد می‌گردد، اتحادهایی براساس مشترکات سیاسی و یا ایدئولوژیک و یا کلی‌تر مانند دموکراسی و حقوق بشر. امروز کمتر کسی است که از لزوم اتحاد و همبستگی سخن نگوید، و در عین حال کمتر حرکتی است که با این شعار و هدف شروع شود و به یک جنبش همگانی یا سراسری تبدیل شود. حرکت‌ها حداکثر در محدوده افراد یا گروه‌هایی که می‌توان از آن تحت عنوان «طبقه سیاسی» نام برد باقی می‌ماند و کمترین شور و شوقی در مردم ایجاد نمی‌کند. از این رو، این

دکتر داریوش نوریانی

متخصص در روانشناسی بالینی و روان درمانی فردی و زناشویی

Dariusch Nouriani, PhD, MFT

Licensed Marriage & Family Therapist

✳️ درمان بحران‌های روحی، عاطفی و انواع اعتیاد

✳️ روانکاوی تحلیلی و تعبیر خواب در حل مشکلاتی که سد راهتان می‌شوند
✳️ دارای برد تخصصی در مشاوره امور زناشویی، خانوادگی و مشکلات کودکی

با بیش از ۲۷ سال تجربه

San Jose

(408)821-7500

San Francisco

(415)345-8977

Super Tehran
1112 Meadow Lane
Concord, CA 94520
925-825-1500

فروشگاه مواد غذایی

سوپر تهران

انواع میوه و سبزیجات، نان تازه

انواع شیرینیجات، آجیل، حبوبات، لبنیات...

کلیه مایحتاج مواد غذایی خود را

از سوپر تهران تهیه فرمایید.

(925) 825-1500

1112 Meadow Lane, Concord, CA 94520



* 24-Hour Service * Confidential * We Come to You!

در صورتیکه توسط پلیس دستگیر شدید، موارد زیر را رعایت کنید:

۱- با مؤسسه Blue Collar Bail Bonds تماس بگیرید 888-438-6880

۲- با هیچکس به غیر از وکیلان گفتگو نکنید

۳- وکیل مناسب استخدام کنید

۴- مادامیکه در انتظار رسیدن مهلت دادگاه تان هستید عمل غیرقانونی دیگری انجام ندهید

۵- در دادگاه با رفتاری شایسته و لباسی مناسب حضور بهم رسانید

۶- خود را از قبل برای گذراندن دورانی در زندان، از لحاظ مالی و روحی آماده کنید.

Six Important Steps to Follow if Arrested:

1- Call Blue Collar Bail Bonds @ 888-438-6880

2- Do not talk to anyone, except a lawyer

3- Find the right attorney

4- While you wait for your court appearance, lead a very law-abiding life and do not break any more laws

5- Behave and Dress Appropriately in court

6- Prepare for Jail Time ahead of time, emotionally and financially

Contact us today for additional information

WET Corporation (Owner)

We specialize in Quick Release!

همکاران فارسی زبان ما آماده خدمت به شما میباشند!

(408)318-4400

(888)438-6880

Bail License#1844088

(888)GETOUTO